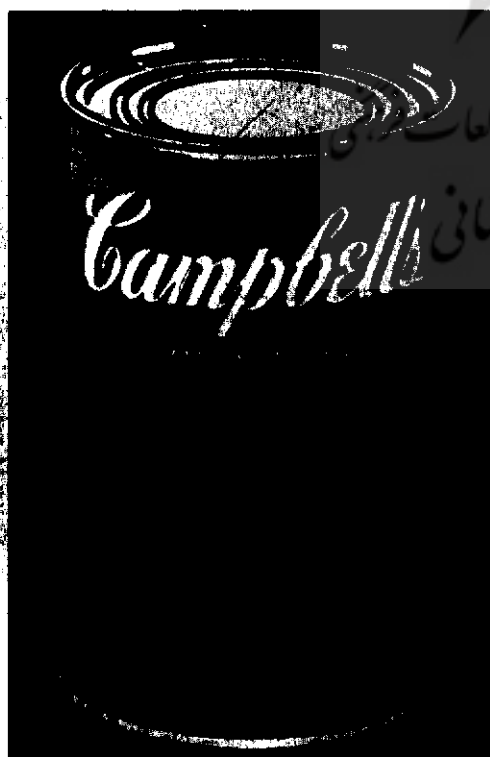




پاپ آرت

محسن ابراهیم

نقشی از پوسته جامعه سرمایه داری



پاپ آرت ۱ - مخفف Popular Art - گرایشی هنری است که در نخستین سالهای ۱۹۵۰ برای بازیافت هنری فیگوراتیو، با بهره‌وری از کالاهای جامعه سرمایه‌داری، وسایل ارتباطات جمعی و تولیدات تصویری حاصل از آن، در انگلستان پدید آمد و تقریباً همزمان با آن، به گونه‌ای مستقل آثاری از این هنر در آمریکا نمودار شد. در پاپ آرت انگلیسی نام هنرمندانی چون: جوتیلسون^۲ (لندن، ۱۹۲۸)، پیتر اسمیت^۳ (دورهام، ۱۹۲۳)، پیتر بلیک^۴ (دارت فورد، ۱۹۳۲)، ریچارد هامیلتون^۵ (لندن، ۱۹۲۲)، ادواردو پائولو تزی^۶ (ادیمبورگ، ۱۹۲۴) به چشم می‌خورد که به همراه سایر هنرمندان جوان و منتقدین - که در انستیتوی هنرهای مدرن لندن گرد می‌آمدند - غالباً به بحث پیرامون سبیرنتیک، تئوری اطلاعات، ارتباطات همگانی، سینما، طراحی صنعتی می‌پرداختند و تلاش این هنرمندان به طریقی زمینه‌ساز حرکت‌های بعدی هنر مدرن انگلیس و راهیابی آن به محافل جهانی هنر گردید.

در سال ۱۹۵۶ نمایشگاهی تحت عنوان «این است فردا» برگزار شد که طی آن اثری از ریچارد هامیلتون به نام «راستی آن چیست که خانه‌های امروز را این چنین متفاوت و جالب می‌گرداند» به نمایش درآمد. این اثر را می‌توان اولین اثر پاپ آرت و هم‌چنین مانیفست آن تلقی کرد. هامیلتون پس از شرکت در این نمایشگاه، با مطالعاتی بر مبنای پاپ آرت، به ادامه فعالیت‌های هنری خود پرداخت و نسل تازه‌ای از هنرمندان پاپ آرت را به عرصه هنر انگلستان معرفی کرد.

این مرحله از پاپ آرت را که بهره‌مند از عناصر ارتباطات همگانی مثل عکس، پوسترهای تبلیغاتی و کالاهای تولیدشده در جامعه سرمایه‌داری بود و به طریقی عینی و قابل درک بود، می‌توان مرحله اول پاپ آرت دانست.

مرحله دوم پاپ آرت در انگلستان، همانا گذر از هنر فیگوراتیو به آبستره بود. یکی از وظایف عمده هنرمندان

در مرحله دوم، مشاهده و ادراک جهان پیرامون توسط علایم و نشانه‌هایی چون رنگ و نور بود که توسط رسانه‌های گروهی اعمال می‌شد و احساس بیننده را تحت تأثیر قرار می‌داد.

پاپ آرت آمریکایی، تقریباً همزمان با اولین فعالیت‌های آن در انگلستان شکل گرفت و نتایج آن طی سالهای ۵۹ و ۶۰ به منصفه ظهور رسید. شکل‌گیری پاپ آرت در آمریکا، خصوصاً در کالیفرنیا، نیویورک و لوس‌آنجلس نیز بی‌اطلاع هنرمندان از فعالیت‌های هنری یکدیگر به وقوع پیوست. با آن‌که پاپ آرت در انگلستان دارای شعب گوناگون و دستمایه‌های هنری فراوانتر بود، با این وجود در آمریکا در ابعاد وسیعی گسترش یافت و به عنوان هنری مقتدر، محصولی از کشور آمریکا - که دارای نوآوری‌های شگفت و بی‌دری تکنولوژی بود - تلقی گردید.

پاپ آرت آمریکایی را می‌بایست مدیون هنرمندان زیر دانست:

جیم دین^۷ (سین سیناتی، ۱۹۳۵) با آثاری در زمینه آبستره اکسپرسیونیستی - خصوصاً به شیوه مادرول - به نقاشی پرداخت و همزمان به کشف اشیاء از دیدگاه نئودادائیستی روی آورد و اشیاء واقعی و مورد مصرف همگان را در آثارش به کار گرفت.

کلیز الدنجرگ^۸ (استکهلم، ۱۹۲۹). یکی از پیشتازان پاپ آرت در نیویورک. این هنرمند به خاطر مجسمه‌های «نرم» و «غول‌آسا»یش شهره است. او در آثارش از اشیاء ساخته شده‌ای مانند: ساندویچ، بستنی و سایر مواد غذایی استفاده می‌کرد و مجسمه‌های نرم او از اشکال لوازم آشپزخانه و حمام مثل دستشویی، وان، و وسایلی چون ماشینهای تحریر، رادیاتور، موتور و... بهره می‌گرفت.

جورج سگال^۹ (نیویورک، ۱۹۲۳) مجسمه‌ساز که از سال ۱۹۶۱ با مجسمه‌های گچی انسان در کنار هنرمندان پاپ آرت قرار گرفت.



جیمز روزن کوئیست^{۱۰} (گراند فورکس، ۱۹۳۳).
برای شرکتهای تبلیغاتی بر روی تابلوهای بزرگ به
نقاشی می پرداخت. او پس از پیوستن به هنرمندان
پاپ آرت، اثری به نام «اف - ۱۱۱» خلق کرد که دارای
ابعادی به ارتفاع ۳ متر و طول ۲۲/۵ متر بود.

روی لیخنشتاین^{۱۱} (نیویورک، ۱۹۲۳) یکی از
بزرگترین نقاشان پاپ آرت و از مهمترین هنرمندان هنر
مدرن آمریکا به شمار می رود. تا سال ۱۹۵۷ در فضای
آبستره به کار پرداخت. او به مانند سایر اعضای پاپ آرت
به وسایل ارتباط جمعی و کالاهای مصرفی روی آورد و
از تصاویر کارتونی به نحو مطلوبی بهره گرفت.

اندی وارهول^{۱۲} (فیلادلفیا، ۱۹۳۰) تمام سالهای
دهه پنجاه را به عنوان طراح گرافیک برای امور تبلیغاتی
به کار پرداخت. در آثار هنری خود به تکرار اشیاء و
تصاویر شخصیت‌های معروف پرداخت. غالب موزه‌های
مشهور جهان اثری از او را در اختیار دارند. وارهول در
سالهای واپسین به تهیه فیلمهای تجربی و داستانی روی
آورد.

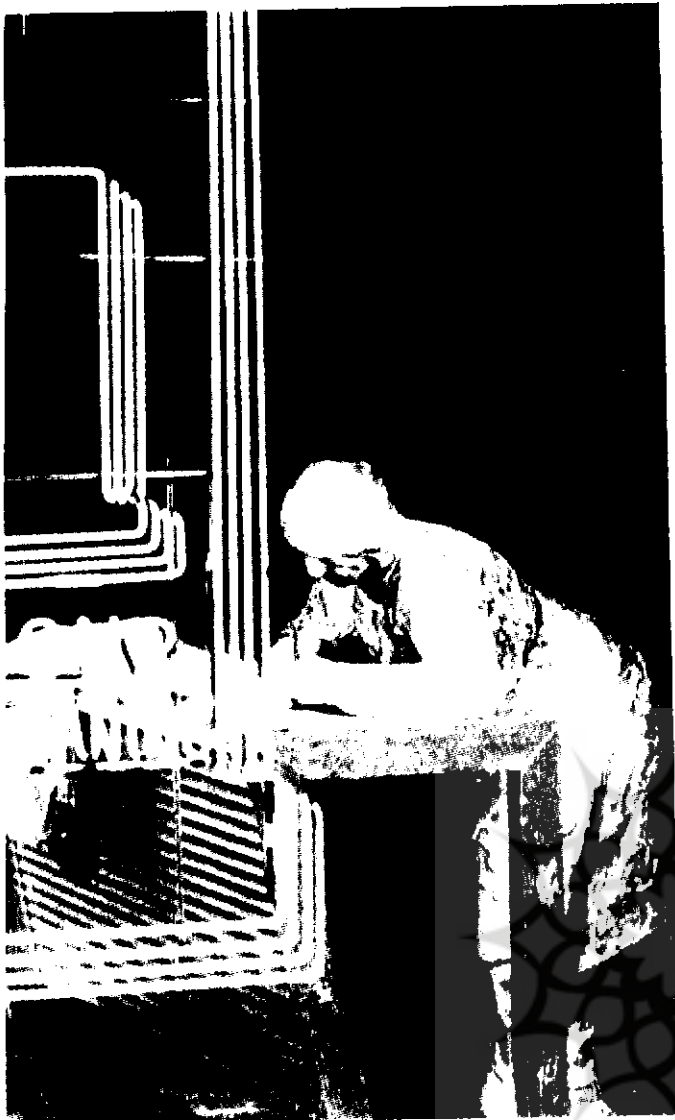
تام وسلمن^{۱۳} (سین سیناتی، ۱۹۳۱) نقاش
شرکتهای تبلیغاتی. او از سالهای آغازین دهه شصت
به شیوه پاپ آرت به کار مشغول شد و تابلوهایی با
سوزهای عربان آفرید.

روبرت راثوشنبرگ^{۱۴} (تگزاس، ۱۹۲۵) از سال
۱۹۵۴ به وسیله کلاژ و تلفیق اشیاء یافته شده در آثارش،
ابداعاتی به وجود آورد. او در آغاز، نقاشی را از آبستره
شروع کرد و تأثیرات این شیوه نقاشی همواره در آثارش
باقی ماند. در سال ۱۹۶۴ جایزه بزرگ بی‌ینال ونیز را
کسب کرد.

جسپر جونز^{۱۵} (آگوستا، ۱۹۳۰). نقاش و
مجسمه‌ساز صاحب نام نشودادا و پاپ آرت. از سال
۱۹۵۵ پرچم آمریکا و هدفهای تیراندازی در آثارش
ظاهر شد.

پاپ آرت که طی مراحل آغازین دارای محبوبیت

پنر بلک - الویس - کلاژ و رنگ روغن - ۴۰×۱۱۰ سانتیمتر
وسیمی بین جوانان بود، دیری نگذشت که نظر
هنرمندان غیر جوان را نیز به خود جلب کرد و به عنوان



جرج سگال - مفازة خشکسویی - ۱۹۶۲ - رنگ، گچ، نئون، چوب،

نقاشان رئالیست، انسان را محور اصلی آفرینششان قرار دهند، با وجود این، طبیعت به عنوان جزئی لاینفک در آثارشان به چشم می‌خورد. انسان عصر پاپ‌آرت در شرایط تازه‌ای زندگی می‌کند. فضاهاى باز روستایی، مبدل به جوامع بسته شهری، خیابان و خانه شده است. پدیده‌های طبیعی همچون گیاه و حیوان از حاشیه او رخت برسته و جای آن را محصولات کارخانه‌ای گرفته است و هنرمند پاپ‌آرت در احاطه پدیده‌های نوظهور، به عنوان نماینده قشری از اقشار جامعه، محتویات ذهن خود و دیگران را نقش می‌زند. آمریکا پس از عبور از بحران اقتصادی دهه سوم به شکوفایی اقتصادی نایل

یکی از جنجالهای تازه هنری - پس از دو دهه اقتدار آستره - خشم و نفرت بسیاری از هنرمندان و منتقدین را برانگیخت. چرا که انتظار بازگشت به مبانی هنر کلاسیک نقاشی و تجدید حیات نقاشی کلاسیک بار دیگر رخت برسته بود و انتخاب اشکال شاد و هیجان‌انگیز، تصاویر با رنگهای تند و متضاد، تابلوهایی با عرض و طول گسترده، به‌کارگیری پوسته‌های تبلیغاتی، استفاده از وسایل مصرفی و سوزده‌های روزمره و معمولی که بیشتر مورد خوشایند سنین نوجوانی است، نشانه‌هایی بارز از جدایی و دوری هر چه بیشتر از کانالهای رسمی هنر نقاشی و حتی مقابله با ابداعات هنری نیمه اول قرن بیستم بود.

پاپ‌آرت که محصول روند رو به رشد سرمایه‌داری آمریکا و اروپا محسوب می‌شود - و به همین دلیل تحت شرایطی واحد، در دو سرزمین دور از هم و هنرمندانی ناآشنا با یکدیگر پدید می‌آید - نه تنها تسلیم اشیاء و پدیده‌هایی می‌گردد که توسط جامعه سرمایه‌داری و تولیدات بی‌حد و حصر، قدرت مطلق یافته‌اند، بلکه حتی هنرمندی چون وار هول با بیان اینکه «می‌خواهم ماشین باشم» خود را جزئی از کلیت چنین جامعه‌ای تلقی می‌کند. پیش از این، امپرسیونیسم، انسان و پیرامون او را به لکه‌های رنگ مبدل کرده بود و در آثار پوانتالیستی سورا^{۱۶}، این تبدیل و تبدیل به اجزایی کوچک‌تر تغییر شکل داده بود و اکنون، انسان به‌عنوان پدیده‌ای با خصایل کالایی در کنار اشیایی همچون بطری کوکاکولا، قوطی کنسرو و غیره قرار می‌گیرد. ابزار هنر پاپ، برخلاف سنت هنر نقاشی که رنگ و بوم را مورد استفاده قرار می‌داد، تبدیل به وسایل و ابزار زندگی جمعی و مصرفی می‌گردد و عرصه پاپ‌آرت را نه به عنوان نماد بلکه همچون واقعیتهای تازه درمی‌نوردد. انسان همواره متأثر از فضایی است که او را دربر گرفته است. نقاشان قرون گذشته، بیش از هر چیز بر حضور طبیعت در آثارشان اصرار می‌ورزیدند. حتی اگر

پنجره این خانه پیداست، بر این هیجان می‌افزاید. همه چیز در شور و شتاب و حرکت جریان دارد. اگر هنرمندان فوتوریست برای تبلیغ جامه‌های نو از تکرار عناصر تابلو سود می‌جستند، اگر بالای ۱۷ حرکت سگی با قلاده را با تکرار پاهای این حیوان القا می‌کرد، و اگر همین معنا در آثار بوچونی^{۱۸}، سه‌ورینی^{۱۹} و خصوصاً ... در «تشیب جنازه یک آنارشویست» اثر کارا^{۲۰}، چنین تکراری حاکمیت می‌یابد، اکنون همین مفهوم در آثار پاپ، بی‌تکرار سوژه، و در کلیت اثر، خود می‌نمایاند. تجلی خرده بورژوازی به عنوان قشری در صدد گسستن از پیشینه خود، با نگاهی به فرادست، آزمند بهره‌وری از رفاه و امکانات برتر، تهی از تفکرات عمیق و در پیوند با ظواهر فریبنده و حبابی در گذار و ناپایدار در این اثر دارای نمودی آشکار است. مرد و زن عربان هامپلتون در این تابلو، به نمایشی سبکسرانه از عربانی می‌پردازند. پیچ و تابهای عضلانی مرد ایستاده در میان اتاق، نمایشی از جسمی کارآمد جهت دست یازیدن به امکانات برتر زندگی است. ماشینی بی‌اندیشه اما با توانی چشمگیر، و زن در حد شیئی‌ای از اشیاء لوکس خانه. تنها دو تصویر بر دیوار، پیوند باریکی با گذشته ایجاد می‌کند: یک تابلوی قرن هجدهمی و اعلانی که بر آن کلمه «رمانس» به معنای افسانه یا داستان عاشقانه به چشم می‌خورد که در آن زن و مردی دو لحظه‌ای از گفتگوی عاشقانه دیده می‌شوند. این دو اثر، تنها یادگار آن ایام فراموش شده بر دیوار خانه‌ای است که عشق و عاطفه نیز در هجوم فرهنگ سرمایه‌داری به دست فراموشی سپرده شده است.

در همین راستا، هنرمندانی دیگر، الگوهای موفق اجتماع هم‌عصر خود را در آثارشان به نمایش می‌گذارند. بلیک در اثری دو قطعه‌ای، الویس پریسلی، خواننده پرآوازه همان عصر را در بخش بالایی و طیفی از رنگهای رنگین‌کمانی را در بخش زیرین نقش می‌زند. اندی وارهول با تکرار تصاویر مرلین مونرو، الیزابت تیلور،



می‌آید و رشد فزاینده اختراعات و ابداعات و تولیدات کلان کارخانه‌ای، شیوه‌ای جدید از زندگی را پیش روی مردم می‌گستراند و تبلیغات، ذهن عامه را به سوی زندگی ایده‌آل و رؤیایی می‌کشاند. تابلوی «راستی آن چیست که خانه‌های امروز را این چنین متفاوت و جالب می‌گرداند» توقع و انتظار انسان خرده‌بورژوازی جامعه صنعتی را به نمایش می‌گذارد: خانه لبریز از وسایل مدرن است. ضبط صوت، تلویزیون، جاروبرقی چنان سروصدایی را القا می‌کنند که بیننده در قبال آن دچار عدم امنیت شنوایی می‌شود. احساس خاموش و روشن شدن نشونه‌های سینما که در آنسوی خیابان، از ورای

ژاکلین کندی و... تکرار تبلیغات را در ارائه و قبولاندن کالای مورد نظر به یاد می‌آورد، همچنانکه به تکرار و در کنار هم چیدن شیشه‌های کوکاکولا می‌پردازد.

لیختنشتاین از تصاویر کارتونی سود می‌جوید و در این‌باره توضیح می‌دهد که: «من صرفاً آنها را برای مقاصد صوری به کار می‌گیرم». هنرمند به عنوان موجودی متفکر و متأثر از شرایط زمان و مکان هرگز بی‌اتصال به مقاصد نهفته در عمق ذهن خود، هیچ اثری خلق نمی‌کند. چرا که او به عزم ترسیم واقعیاتی تازه به سوی وسایل بیانی جدیدی که برای تفسیر او را از محیط پیرامون داشته باشد، گام برمی‌دارد. خلق هر اثری، یا آگاهانه و با قصد و نیتی آشکار انجام می‌پذیرد و یا حتی نامکشوف بر خود هنرمند، و پنهان در زیر لایه‌های شعور، حضوری ناآگاهانه می‌یابد. چنین ناآگاهی حتی در آثار فی‌البداهه هنرمندانی چون کساندینسکی و با دیگرانی چون پولاک، گورکی، دکونینگ و... کاملاً مشهود است. به گفته فروید، انتخاب ظاهراً بی‌دلیل رنگها و فرمها دلیلی است که در ذهن ناخودآگاه هنرمند، پنهان است. بنابراین شرایط خاص اجتماعی به عنوان محرک هنرمند، منبع خلق اثر می‌گردد و شرایط واحد در هنرمندانی با فرهنگ نسبتاً همگون، هنرمندان را به واکنش هنری نسبتاً یگانه‌ای سوق می‌دهد. بی‌آنکه اینان از وجود یکدیگر مطلع باشند. این مهم در ظهور پاپ‌آرت به‌طور همزمان در انگلستان و آمریکا نیز صادق است. گفته لیختنشتاین نه تنها حاوی واقعیت فرم‌گرایانه او نیست، بلکه مؤید آمال هنرمند، جهت چشمداشت به جامعه‌ای آرمانی، و بیانگر ایده‌آلیسم سرمایه‌داری است. بسیاری از آثار با لیختنشتاین رنگهای تند و صحنه‌هایی از انفجار و شلیک و انسانهای متغیر، رئالیسم سرمایه‌داری را به نمایش می‌گذارد. و حتی برخی آثار او که صرفاً ساخته و پرداخته ضربات قلم مو است خشم و خشونت را عینیت می‌بخشد. «زنی با کلاهی از گل» نشان از اندوه

بی‌کوران «زنان گریان» پیکاسو دارد. اما او در همه این آثار، خصیصه‌های ناخوشایند جامعه سوداگر را از آن می‌زداید و هراسان از واقعیت‌های جاری، لذت‌طلبی حسی را جایگزین تصاویر دلهره‌آور می‌کند. چرا که آنچه که به زمان گذشته مربوط می‌شود در روند فعالیت‌های هنری، با رخدادهای دیگر در هم می‌آمیزد و خود را به آفرینش هنری تحمیل می‌کند. تابلوی «صبح به خیر عزیزم» اثر لیختنشتاین، تصویر کارتونی زنی است که چشم‌آزمند به آرامشش را به افق‌های ناپیدا دوخته است. عصر رومانتی‌سیسم از لحاظ رویاجویی، دوره پربراری را آشکار ساخت. اما آنچه که بین امروز و فردا قرار داشت مبهم می‌نمود. همین عنصر رویاجویی و انتظار برای فردا و پس‌فردایی مطمئن در آثار لیختنشتاین خود می‌نمایاند.

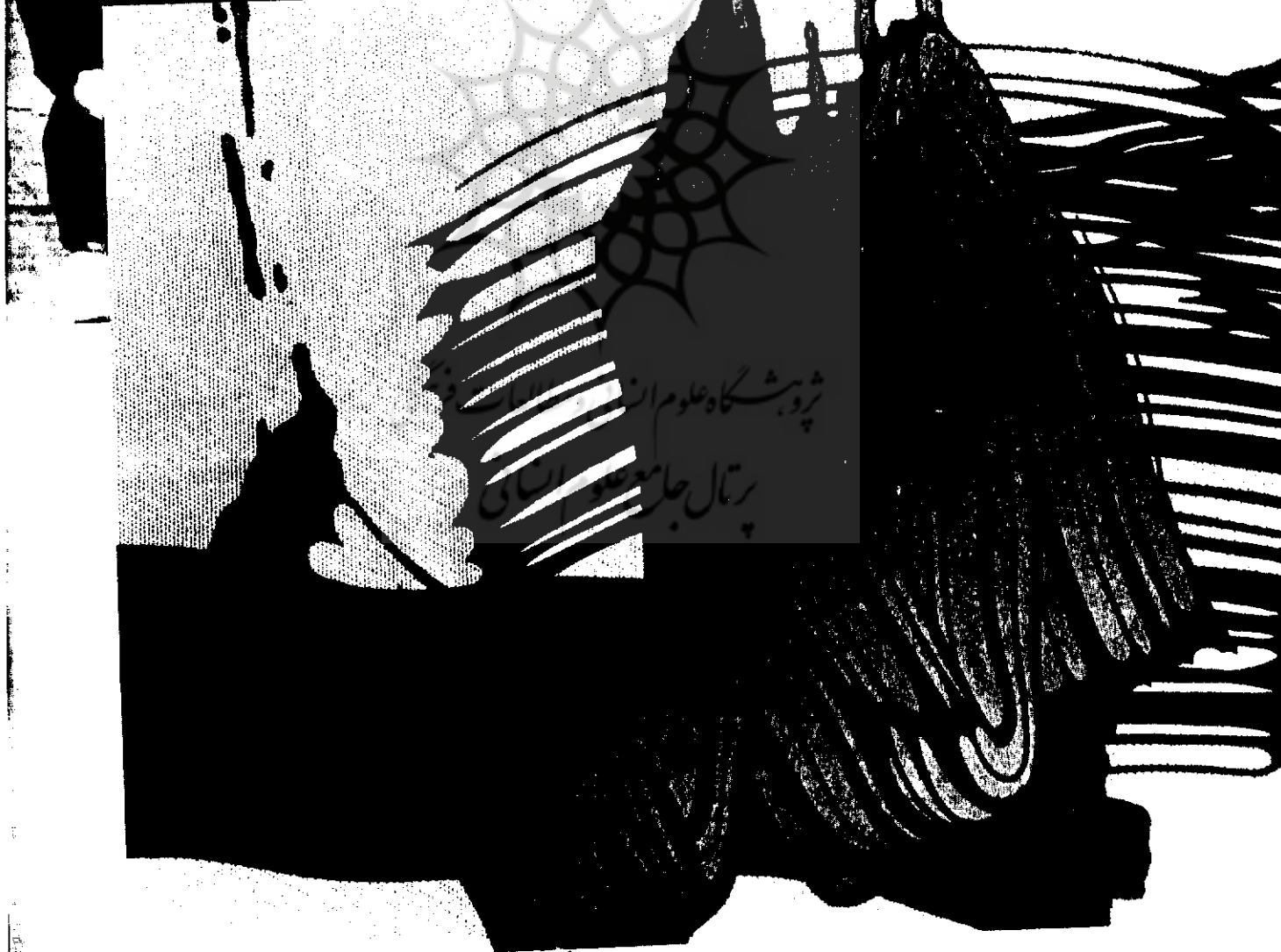
برخی از ناظرین هنری، ریشه پاپ‌آرت را به سوررئالیسم، دادائیسم و کلاژهای شوئیترز می‌رسانند. اما آنچه که مسلم است، آمیزه‌ای از سبک‌های گوناگون را می‌توان در پاپ‌آرت یافت. ویژگی شوئیترز - هنرمندی که پیش‌پاافتاده‌ترین عناصر و حتی زباله را تبدیل به اثر هنری می‌کرد - پذیرفتن اشیایی است که به زعم عامه، دارای بار و معنای هنری نیست. اما متفک کردن یک شیء از مجموعه پدیده‌های همگروه و زدودن پیشینه مصرف آن، از مواردهی است که شوئیترز به آن آگاه بود. اگر شوئیترز با آشنایی زدایی، شیئی معمولی را در زمره آثار هنری قرار می‌داد، هنرمندان پاپ، با تأکید بیشتر بر خصیصه‌های آشنای اشیاء یا انسان، آن را به عنوان واقعیت جامعه مورد استفاده قرار می‌دادند. قوطی‌های مواد غذایی، پودر رختشویی، کوکاکولا، تصاویر هنرپیشه‌ها اثر وارمول و یا همبرگرهای الدنبرگ و قطعات مختلفی از اتومبیل‌هایی چون پلیموت، کرایسلر، پونتیاک اثر هامبلتون بر این مصداقند. همین خصیصه‌های آشنا در آثار سگال به گونه‌ای تجسمی، در قالب مجسمه‌های انسان ظاهر می‌شود. با این تفاوت که

THAT MY SHIP WAS BELOW THEM...





روی لیخنشتاین - نقاش بزرگ - رنگ روغن روی بوم - سری ضربه
های قلم - ۳۲۳×۲۳۱ سانتیمتر



پژوهشگاه علوم انسانی
موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی
پرتال جامع علوم انسانی

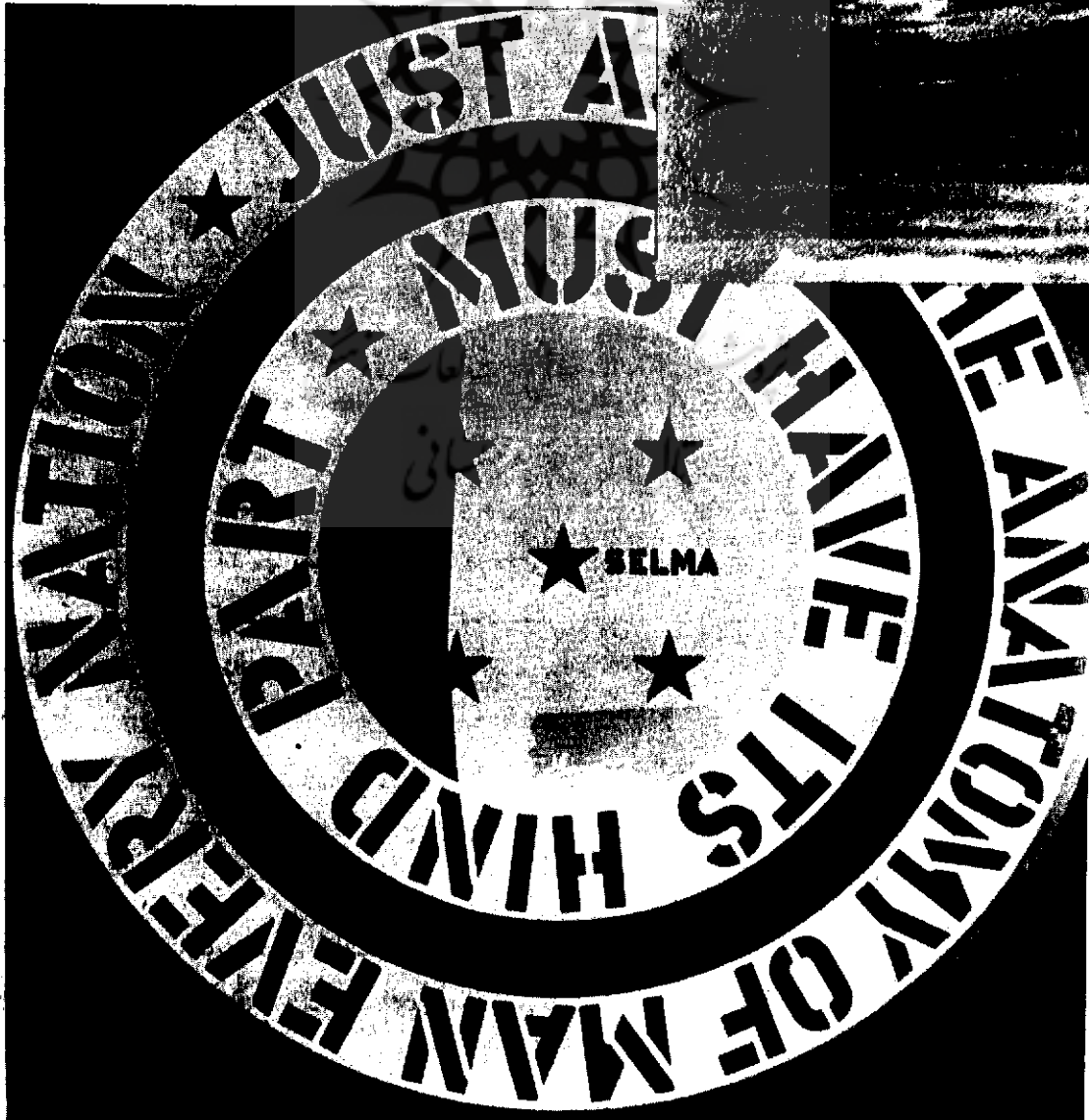
کلینالدنبرگ - درنمایشگاه شخصی خود در گرین گالری - نیویورک

۱۹۶۲

کتابخانه
بنیاد دایرة المعارف اسلامی

روبرت ابلدبانا - آلاباما - ۱۹۶۵ - رنگ روغن روی بوم - ۱۲۵ × ۱۵۰

سانتیمتر



دید بینندگان قرار می‌دهند.

پی‌نویسها:

1. Pop Art
2. Joe Tilson
3. Peter smith
4. Peter Blake
5. Richard Hamilton
6. Eduardo Paolozzi
7. Jim Dine
8. Claes Oldenburg
9. George Segal
10. James Rosenquist
11. Roy Lichtenstein
12. Andy Warhol
13. Tom Wesselman
14. Robert Rauschenberg
15. Jasper Jones
16. George Seurat
17. Giacomo Balla
18. Umberto Boccioni
19. Gino Severini
20. Carlo Carra
21. Peter Phillips
22. Alen Jones

فضای ساخته و پرداخته سگال، بیش از آنکه معرف پاپ‌آرت باشد، به لحاظ القای فضایی ایستا، یادآور طبیعت‌های بیجان کازا و فضا‌های سرد و دلهره‌آور دکوریکو - هر دو از هنرمندان متافیزیک - است. در آثار سگال، لحظه‌ای از زندگی روزمره منجمد شده است. مجسمه‌هایی گچی از مرد یا زن به اندازه طبیعی و رنگ سفید گچ، پیکره‌هایی در غباری پرآشوب که نه راه پیش دارند و نه راه پس؛ فقط از موجودیتی بی‌زمان برخوردارند. در آثار سگال، انسان و محیط پیرامونش جانشین اشیاء می‌شود و یا به بیانی دیگر، انسان تبدیل به شیئی می‌شود. رنگ از آن زدوده می‌شود و همچون جسدی بی‌روح، در جریان فعالیت‌های روزانه قرار می‌گیرد. سگال از سال ۱۹۵۸ به مجسمه‌های گچی روی آورد و آنان را در رابطه با پدیده‌هایی مثل دوچرخه، میز و صندلی و سایر اشیاء واقعی قرار داد. صحنه‌پردازی‌های سگال و بهره‌گیری از اشیاء واقعی، بخشی از آثار وسلمن را نیز در بر دارد. وسلمن با تلفیق تابلو‌هایی از زنان - عموماً عریان - در کنار اشیاء واقعی و به کارگیری رنگ‌های شاد، لحظه‌هایی از زندگی خصوصی را در معرض دید قرار می‌دهد و انسان را از حریم خلوت خود بیرون می‌کشد و پوشیده‌ترین صحنه‌ها را آشکار می‌کند.

در آثار وسلمن مجال نفوذ در ذهنیت سوژه وجود ندارد. غالباً چهره‌ها، فاقد اعضا هستند. انسان‌هایی که هویتشان در عریانی اندامها نمودار می‌شود. در حالی‌که روزن کونیست در رابطه با انسان، به درشت‌نمایی بخشی از اعضای اندام انسان، مثل دست و پا، در هیئتی اروتیک سود می‌برد.

از دیگر هنرمندان پاپ‌آرت، می‌بایست از روبرت ایندیانا با آثاری برگرفته از مارک و علایم کالاها، پیترو فیلیپس^{۲۱} با تصاویری از زنان و کالاهای تبلیغاتی، آلن جونز^{۲۲} با درشت‌نمایی‌هایی از اعضای اندام آدمی نام برد که همگان پوسته جامعه سرمایه‌داری را در معرض

مآخذ:

1. Pop Art - Gabriele Mazzotta. Editore
2. Arte dopo il 1945 - USA - Marisa volpi
3. La nuova Enciclopedia dell'Arte
4. Correnti Contemporanee della pittura inglese